

۲ ژوئیه ۲۰۰۹



«قانون» آبمنگل!

سر خوردن دو جناح طایفه آبمنگل‌ها روی پوست خربزه جادویی همچنان ادامه دارد، ولی حضرات امروز در یک بن‌بست لیز می‌خورند نه در یک شاهراه. از اینرو جناح مهرورزی و دارودسته اصلاح‌طلبان شعارهای یکدیگر را می‌ربایند. اخیراً اولی پيرو «خط امام» و «بازگشت» به ارزش‌های اصیل انقلاب شده، و آن دیگری هم «قانون‌مدار!» در واقع خاتمی لیز خورده و بجای خامنه‌ای نشسته، مهرورزی هم جای موسوی را گرفته! ولی خاتمی، از آنجا که «محمد» نام دارد، حین لیز خوردن به افتخار دیدار گابریل هم نائل آمده! بله این مسائل کوچک در یک تفکر کراسی امری است کاملاً عادی! در هر حال وقتی پای حکومتی روی پوست خربزه جادویی لیز می‌خورد، آنقدر جابجائی و جایگزینی و پریشانگویی تکرار می‌شود و شتاب می‌گیرد تا سرانجام حکومت کذا با سرعت نور به ته بن‌بست برسد و به دیوار برخورد کند.

فروپاشی دژ طالبان پروران ناتو در ایران آغاز شده. پس پای به میدان آشوب نگذاریم! برای خروج از بحران مصنوعی جناح‌های حکومتی و بازیافت «تعادل»، طرح مطالبات صنفی و گروهی را آغاز کنیم. پرداختن به نیازهای واقعی و

مادی همان فرصتی است که با تحقق کودتای سازمان ناتو در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ از ما ملت دریغ شد، اینبار فرصت را نمی‌باید از دست داد.

امروز سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه رسماً با اعمال تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران مخالفت کرد. آنگلساکسون‌ها و نوکران‌شان در جمکران می‌کوشند با تحمیل «انزوای سیاسی» بر دولت دست‌نشانده غرب در ایران، هم تداوم بحران دست‌ساز هسته‌ای را تأمین کنند و هم تحریم‌های اقتصادی را گسترش دهند. البته هدف از این عملیات از یکسو تهدید روسیه است، و از سوی دیگر قرار دادن ایران در شرایط مطلوب برای «توجیه» تهاجم نظامی احتمالی. شیرین‌زبانی‌های عبادی برای «تحریم سیاسی ایران»، «پارسیدن» حسن فیروزآبادی در مخالفت با مذاکرات هسته‌ای و تداوم جنجال آب‌منگل‌ها پیرامون کودتای ۲۲ خرداد دلیل دارد. «انزوای سیاسی» و «تحریم اقتصادی» راهگشای «جنگ» خواهد بود. این است هدف واقعی کودتای ۲۲ خرداد و هیاهو پیرامون شرکت فرضی ۴۰ میلیون ایرانی در این نمایش مهوع.

در راستای چنین سیاستی است که عملاً فاشیسم در خارج از مرزها می‌کوشد روسیه را حامی نوکر وفادار آمریکا، احمدی‌نژاد معرفی کرده، برای تظاهرات در برابر سفارت روسیه در پاریس فراخوان صادر کند! بله باز هم نمایش سیرک پنتاگون با لوطی، عنتر، مطرب، جفجغه و گله سگ‌های دست‌آموز برای تداوم نظام مقدس تیزسالاری دینی آغاز شده، و مسلم‌بدانیم هانری لوی، صحنه‌گردان اصلی این نمایشات خواهد بود. حال ببینیم برنامه سیرک پنتاگون در داخل مرزها چیست. در داخل مرزها بسیج دانشجویی دست در دست محمد خاتمی برای تبدیل موسوی به «رهبر مخالفان حکومت» پای به میدان گذاشته.

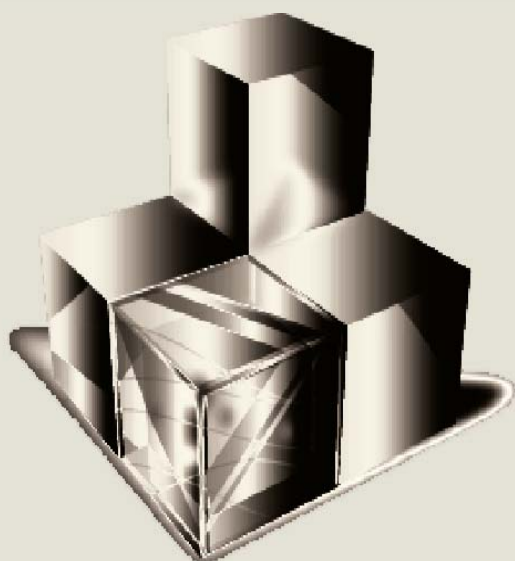
برای دامن زدن به بحران شبه‌انتخابات و کمک به آنگلساکسون‌ها، بسیج دانشگاهی هم به میدان آمد، تا اربابان حکومت اسلامی بتوانند یک جنایتکار به نام میرحسین موسوی را به عنوان «رهبر مخالفان حکومت» به ملت ایران حقه کنند. در این راستا بسیج از موسوی به دادستانی شکایت برده و این خبر بهجت اثر بلافاصله در سایت «بی‌بی‌سی» انتشار یافت. روز گذشته سایت «پیک ایران»، مورخ ۱۰ تیرماه سالجاری همین خبر را با کد: ۳۱۷۳ به نقل از «بی‌بی‌سی» منعکس کرد، و خواننده‌ای به نام «بابک‌جان» در رابطه با آن چنین می‌نویسد:

«[...] بسیج دانشجویی [...] با این اتهامات می‌خواهد دل مردم را نسبت به موسوی خائن به ترحم آورد تا مردم ذهن‌شان از مسئله خیانت این خبیث منحرف شود.[...]»

اتفاقاً ما هم «همینو می‌گیم»، تبدیل میرحسین موسوی جنایتکار به «حسین مظلوم» برنامه اربابان حکومت است که می‌پندارند ما هر که را با احمدی‌نژاد مخالف باشد، آزادیخواه و مدافع دموکراسی به شمار خواهیم آورد. البته بسیج دانشگاهی در این معرکه مزدوری تنها نیست، امروز محمد خاتمی هم یک سخنرانی گوساله‌پسند، متناقض و سراپا دروغ ایراد کرده، تا ضمن روزه و زوزه و سوگواری به ستایش از کروی و موسوی پرداخته، دروغ‌های شاخدار به خورد مخاطبان شوت‌وپرت بدهد. خاتمی در این سخنرانی قانون اساسی «خدا محور» جمکران را به قانون «مردم محور» تبدیل کرده، و خلاصه ضمن قیاس به نفس همه را ابله پنداشته. پیش از ادامه مطلب یک پیرانتز باز می‌کنیم تا ویژگی و فواید «مردم محوری» را به صورت خلاصه توضیح دهیم.

قانون «مردم محور» چیست؟ قانون مردم‌محور، یک تناقض‌گوئی حقوقی است. چنین قانونی، ضددمکراتیک و پوپولیست است، و با تکیه بر «عوام‌گرایی»، خواست یک «اکثریت» فرضی را بر کل مردم به عنوان «اقلیت» تحمیل می‌کند. ولی حکومت جمکران در هر حال فاقد مقبولیت است و اگر ادعا کند که حتی ۳۰ درصد از واجدین شرایط هم در نمایشات مهوع‌اش شرکت کرده‌اند گزاره‌گوئی کرده، ۴۰ میلیون نفر که جای خود دارد. این رقم جادویی با هدف سرکوب مطالبات دموکراتیک مردم ایران توسط شیپورهای پنتاگون ساخته و پرداخته شده تا این تئوکراسی قرون وسطائی و منفور با کسب مشروعیت فراگیر در جوار عراق، افغانستان، پاکستان و ترکیه، هم تکیه‌گاهی برای اعمال خشونت در منطقه باشد و هم تهدیدی برای روسیه. نقشی مشابه نقش دولت اسرائیل، که برای گسترش خشونت در منطقه آفریده شده. با این تفاوت که حاکمیت اسرائیل «دمکراتیک» است و حاکمیت جمکران «تئوکراتیک»!

در این راستا، شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل، طی یک دیدار رسمی از آذربایجان شدیداً از ارمنستان انتقاد کرد، تا شاید تنش و بحران بین ارمنستان و آذربایجان به یک جنگ نان‌وآبدار برای ارباب در پنتاگون بیانجامد و حق و حساب «پرز» هم پرداخت شود. در همین چارچوب است که رسانه‌های اسرائیل



از سخنان فیلمارشال «خمیرگیر» جمکران یا همان «فیروزآبادی» مبنی بر «مذاکره به شرط عذرخواهی»، شدیداً استقبال کرده، هم‌صدا با رادیوهومبونه‌ها به فوت کردن در آستین پاره «فیلمارشال» مشغول‌اند. چرا؟ چون تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی نهایت امر به «جنگ» می‌انجامد. همچنانکه پس از اشغال سفارت آمریکا چنین شرایط «مطلوبی» برای ما ایرانیان ایجاد شد. و همچنانکه عراق و افغانستان نیز پیش از تهاجم نظامی در انزوا قرار گرفتند. بگذریم و بازگردیم به «مردم‌محوری» قانون اساسی، آخرین اختراع محمد خاتمی!

«مردم‌محوری» به دلیل نادیده گرفتن حقوق اقلیت، در تضاد کامل با اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل اساسی «انسان‌محوری» در دموکراسی قرار می‌گیرد، و از این نظر هیچ تفاوتی با «خدا‌محوری» ندارد. آب‌منگل‌ها سه دهه است که جهت سرکوب ملت، خواست اربابان خود در لندن و واشنگتن را «خواست مردم» جلوه می‌دهند. از ابتدای «بهارعاطادی» شاهد بودیم که «مردم» برای دفاع از اسلام به دفتر روزنامه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها حمله می‌کردند، سپس همین «مردم» از گروگانگیری استقبال کردند، و نهایتاً طی ۸ سال همین مردم «طرفدار جنگ» با عراق از آب درآمدند. بله ویژگی «مردم» کذا این است که هیچ ارتباطی با «مردم ایران» ندارد. این «مردم» مانند حکومت آب‌منگل‌ها عنترهای سیرک پنتاگون‌اند. این «مردم» مانند لباس‌شخصی‌ها یک «تل مبهم» و فاقد هویت است که بهترین ابزار برای سرکوب مطالبات انسانی در جامعه ایران به شمار می‌رود.

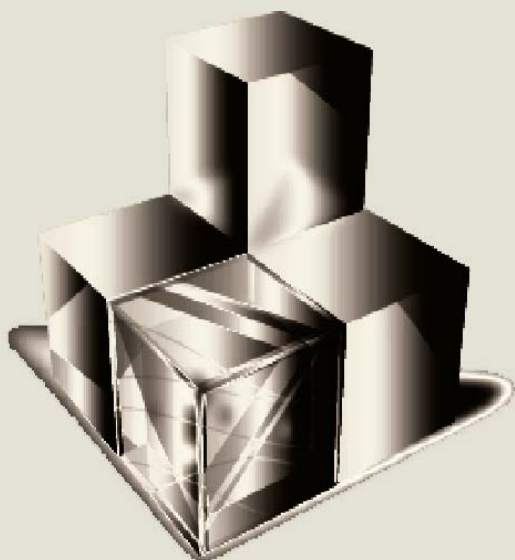
همین «مردم» در تاریخ ۲۲ خردادماه ۱۳۸۸، در چارچوب تبلیغات جهانی به ابزار تأمین مشروعیت برای یک حکومت سفاک تبدیل شده، حکومتی که برخاسته از کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است. می‌دانیم که از روز ۲۲ خردادماه به برکت پروپاگاندا اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن، اکثریت قریب به اتفاق «مردم» با شرکت در شبه‌انتخابات گورکن‌ها، نظام توحش جمکران را تأیید کرده‌اند. پس زمان آن فرا رسیده که یکی از آب‌منگل‌های مورد اطمینان غرب و به ویژه محبوب در افکار عمومی مغرب زمین بر تخت نشسته، به نام تل موهوم «مردم» که بر اساس پروپاگاندا استعماری، ۸۵ درصد جمعیت بالغ ایران را شامل می‌شود، سرکوب را گسترش دهد تا دست اربابانش برای چپاول ما ملت بازتر بماند. این است فواید «مردم‌محوری» مورد نظر آقای خاتمی. حال بازگردیم به سخنرانی وی.

خاتمی می‌گوید، قانون اساسی حکومت اسلامی «مردم‌محور» است، همه مردم ایران به نظام توحش اعتماد دارند، میلیون‌ها نفر برای حمایت از موسوی تجمع کرده‌اند و فساد در وزارت اطلاعات ریشه‌کن شده و ... و اما بزرگترین دروغ شیاد اردکان، «توجیه» ابلهانه تجمع غیرمجاز روز دوشنبه ۲۵ خرداد سالجاری است که طی آن پایگاه بسیج به آتش کشیده شد.

گفتیم که گابریل بر محمد خاتمی نازل شده بود! بله، دیروقت شب در تاریخ ۱۷ خردادماه ۱۳۸۸، به دلیل فلاکت حکومت امام زمان، گابریل در یکی از غارهای «لژ پ ۲» بر خاتمی ظاهر شد و گفت: اقرار! خاتمی گفت، لا! من اردکانی هستم و به اردکانی بودن خود افتخار می‌کنم! عربی هم بیلیم‌رم! گابریل با لهجه شیرین اصفهانی گفت، هیچ اشکالی ندارد، من زبونی اردکانی‌ام بلدم! پس گابریل به زبان سلیس اردکانی خاتمی را از فجایع ۲۲ خردادماه آگاه کرده، از وی خواست اقدامات «قانونی» لازم را برای مبارزه با «تقلب» انجام دهد. اینچنین بود که روز ۱۸ خردادماه ۱۳۸۸، یعنی ۴ روز پیش از برگزاری مسابقات مارگیری، محمد خاتمی، طبق قوانین و مقررات وزارت کشور در محل حاضر شده تقاضای مجوز برای تظاهرات ۲۵ خردادماه کرد!

کشک‌الدین پشم‌سالار اصفهانی گوید، چون خاتمی تقاضای چنین مجوز بکردی او را دیوانه پنداشتندی. پس صادق محصولی بر او سنگ زدی و او را از درگاه خود براندی و ... و خلاصه مجوز تظاهرات به ایشان ندادندی.

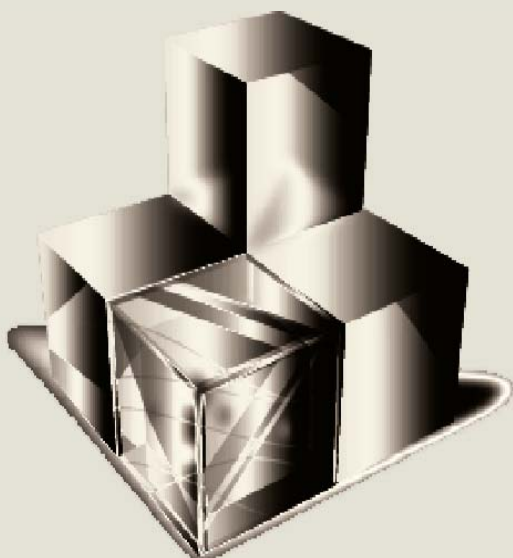
این ادعای شیخ محمد خاتمی است! شیاد اردکان در سخنرانی امروز خود می‌گوید از مجاری قانونی تقاضای مجوز برای تظاهرات کرده و با مخالفت وزارت کشور روبرو شده! ولی طبق اعلامیه رسمی وزارت کشور حکومت جمکران متقاضیان تجمع و تظاهرات مسالمت آمیز موظفاند یک هفته پیش از برگزاری تجمع به وزارت کشور مراجعه کنند. حال محمد خاتمی باید توضیح دهد در چه تاریخی برای دریافت مجوز به وزارت کشور مراجعه کرده؟ طبق قوانین و مقرراتی که خاتمی شیاد ذکر آنرا گرفته، اگر تشکیلی هم‌زمان با اعلام نتایج رسمی مسابقات مارگیری برای برپائی تجمع اعتراضی به وزارت کشور مراجعه می‌کرد، و مجوز هم می‌گرفت می‌بایست یک هفته صبر کند! پس تجمع ۲۵ خردادماه در هر حال غیرقانونی بوده و در ضمن برخلاف ادعای خاتمی، تعداد شرکت‌کنندگان در تجمع کذا حتی به صد هزار نفر هم نمی‌رسید. پس شیاد اردکان بهتر است تجمع عملاً تحکیم وحدت، پاسداران و مشارکت‌چی‌ها و محفل بهزاد نبوی را «تظاهرات میلیونی» نخواند و آنرا با تظاهرات شوت‌وپرت‌های سال ۱۳۵۷ مقایسه نکند:



زیر سنگ روسیه است و روسیه نه از بساط طالبان پروری سازمان ناتو حمایت می‌کند، نه از جنگ و آشوب در مرزهای‌اش در خزر.

در نتیجه آمریکا، چه بخواهد و چه نخواهد باید دست و پای طالبان شیعی مسلک را در ایران جمع و جور کند، و یا باید با همین جانوران وحشی بر سر یک میز به مذاکره بنشیند. با در نظر گرفتن این مهم که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحد باراک اوباما را در سفرش به مسکو همراهی نخواهد کرد - دلیل غیبت ایشان را فیگارو به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه شکستگی آرنج ذکر کرده - می‌توان حدس زد که سیاست خارجی آمریکا نمی‌تواند در ایران خط آشوب جناح کلینتون را دنبال کند، و به احتمال زیاد جناح «تانسی پلوسی» مجری سیاست آمریکا در ایران خواهد بود. سخنرانی خاتمی و «قانون مدار» شدن ایشان هم شهادی است بر این مدعا که اگر بازار مهرورزی و جهش و پرش هسته‌ای کساد شده، فالانژهای آشوب طلب مدعی اصلاح طلبی در جایگاه ورشکسته به تقصیر قرار گرفته‌اند.

جنبش مدنی به آب‌منگل‌ها تفهیم خواهد کرد که حکومت «مردم‌محور»، «خدا محور» «میهن‌محور» و «اخلاق محور» را نخواهد پذیرفت. محور یک حکومت دمکراتیک «انسان» است. انسان، نه به عنوان «بنده خدا» و فرزند «آدم و حوا»، که انسان آزاد در مقام فرزند انسان آزاد. جنبش مدنی «انسان‌محور» است و روی به «زندگی» و «آینده» دارد.



«تشکل‌های رسمی و ریشه‌دار انقلاب [...] از وزارت کشور برای برگزاری تجمعی قانونی در اعتراض به نتایج انتخابات درخواست مجوز کردند، اما عدم صدور مجوز [...] و بستن تمام راه‌های ارتباطی خیرخواهان و بزرگان با مردم باعث شد آن حضور میلیونی که [...] از بزرگترین راهپیمایی‌های انقلاب چیزی کم نداشت اتفاق بیفتد، در کمال آرامش [...] تنها با این پیام که سرنوشت رأی ما چه شد [...]»

تشکل‌های «ریشه‌دار انقلاب» بسیار بی‌جا فرمودند برای اعتراض به نتایج انتخابات درخواست مجوز راهپیمایی کردند! مگر راه اعتراض قانونی را نمی‌شناختند؟ از این گذشته تظاهرات کذا به هیچ عنوان «آرام» و مسالمت‌آمیز نبود. شعارهای «مرگ بر این، و مرگ بر آن» از دهان چه کسانی شنیده می‌شد؟ مسئولین تجمع کذا شعارها را کنترل نمی‌کردند؟ چه کسانی با سلاح سرد در تظاهرات شرکت کرده بودند؟ تجمع در برابر پایگاه بسیج به چه دلیل صورت گرفت؟ مگر تشکل‌های «ریشه‌دار انقلاب» از جمله شبه نظامیان گروه نبوی که در لبنان توسط «تساهال» آموزش دیده‌اند نمی‌دانند تجمع در برابر مراکز نظامی و انتظامی ممنوع است؟ چرا می‌دانستند.

این تظاهرات برای براندازی نرم و تکرار کودتای ۲۲ بهمن به راه افتاد! چون فعلاً فاشیسم می‌پنداشتند مخالفین احمدی‌نژاد به حمایت از جنایتکاری چون موسوی تظاهرات خواهند کرد، و کار به درگیری‌های خیابانی می‌کشید، و تشکل‌های «ریشه‌دار» حداقل چندصد «شهید» به دست می‌آوردند و با برپائی مراسم روضه و زوزه همزمان تعداد شهدا را افزایش داده، با شعار و هیاهو و درگیری تجربه شیرین ۲۲ بهمن را تکرار خواهند کرد. و نتیجه این نمایشات نیز استقرار موسوی در جایگاه «رهبر مردم» خواهد شد، تا ایشان برایمان «خط امام» ترسیم کنند. کور خوانده بودند! نتیجه در برابر ماست: عقب نشینی هر دو جناح حکومت آب‌منگل‌ها و فشرده‌تر شدن صفوف‌شان.

تلاش بسیج برای بازداشت موسوی در همین چارچوب صورت می‌پذیرد. این گوساله‌های ننه‌حسن می‌پندارند، زندان رفتن «ارزش» است. و اگر آخوند شاهرودی موسوی را به زندان بفرستد همان تشکل‌های «ریشه‌دار» با شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، میلیون‌ها شوت و پرت را به خیابان‌ها آورده، مشروعیت و مقبولیت خود را «در خیابان» به ارباب ثابت خواهند کرد. اتفاقاً اشتباه محاسبه حضرات همینجاست، چرا که ارباب در واشنگتن دستش